

**یادداشت امروز**

**از «ماکیاولیسم» تا «دولت مطلقه مدرن»**

۱- افرادی که تاریخ اندیشه سیاسی غرب را مطالعه کرده‌اند، حتماً دیده‌اند که در تاریخ بعد از رنسانس، «لوتریسم»، «ماکیاولیسم»، «دولت مطلقه مدرن هابزی»، «لیبرالیسم» و «مارکسیسم» به نوعی پشت سر هم پیدا شده‌اند. این توالی اندیشه‌ها این پرسش و مفروض را به وجود می‌آورد که گویی هر کدام از این اندیشه‌ها علت پیدایش اندیشه‌های بعدی بوده‌اند و اندیشه‌های پسین معلول اندیشه‌های پیشین هستند. به عبارت دیگر زمانی که اندیشه پیشین پدید آمد، زمینه برای پیدایش اندیشه بعدی فراهم شد. البته این موضوع و فهم کیفیت آن، جای مطالعه بیشتر دارد و در اینجا تنها به عنوان یک نکته و پرسش مطرح شد.

۲- اما مساله مهم این یادداشت که با مطلب فوق بیگانه نیست، آن است که برخی دولتمردان توسعه‌گرای کشور که گاه می‌توانستند از زبان دین هم سخن بگویند و در سخنرانی‌ها و خطبه‌های خود سیاست‌های توسعه‌گرای خویش را توجیه کنند، در مسیر حرکت کلان سیاسی خود قدم به جاده‌ای نهند که ۲ منزلگاه اصلی داشت: «ماکیاولیسم» و «دولت مطلقه مدرن». آنان در کنار سیاست اعلامی «توسعه» به سیاست اعمالی ساخت «دولت مطلقه مدرن» روی آوردند. آنان در پیمودن این مسیر راه را طوری رفتند که گویی ایران در حرکت خود هنوز از این دو منزلگاه خارج نشده است. یعنی ایران هنوز به مرحله لیبرالیسم نرسیده است و فعلاً در کشاکش این مرحله بسر می‌برد.

۳- اما ماکیاولیسم چیست؟ ماکیاولیسم نماد استفاده ابزاری از دین و اخلاق در سیاست است. این روش توسط سیاستمدارانی صورت می‌گیرد که خود به اعتقادات دینی مؤمنانه باور ندارند و چون به اهمیت دین و اخلاق در تنظیم امور جامعه و سیاست آگاه هستند، از آن بهره می‌برند. ماکیاولیست‌ها همچنین به اخلاق، کوچک‌ترین اعتقادی ندارند و به ادعای آنها سیاست جای اخلاق فردی نیست. جمع این ویژگی‌ها در ماکیاولیسم از یکسو منجر به سکولاریسم می‌شود، زیرا مانند مورانه دین را از درون می‌خورد و به تدریج جز پوسته‌ای از آن نمی‌گذارد و در حالت بدتر آن را به «فیون توده‌ها» تبدیل می‌سازد؛ به این معنا که سعی می‌کند کنترل منابع و تفسیر دینی را به دست بگیرد تا از این طریق کنترل مردم و جامعه مؤمنان را در اختیار داشته باشد. در سیاست ماکیاولیستی همواره تلاش می‌شود برای سیاست‌های اتخاذ شده تا جای ممکن ادله شرعی برای توجیه و مشروعیت‌بخشی به آن سیاست جور شود. در واقع اگر یک سیاستمدار مؤمن ابتدا بر اساس تکلیف شرعی، سیاست خود را تنظیم می‌کند و سپس اگر کسی دلیل آن را پرسید به منابع دینی ارجاع می‌دهد، یک ماکیاولیست ابتدا بر اساس منافع و مصلحت‌سنجی‌های خود یک سیاست را اتخاذ می‌کند بعد در متون مختلف می‌گردد تا چیزی بیابد که سیاست او را توجیه کند. در اینجا دین کالا و تبدیل به ابزاری برای اداره جامعه می‌شود. در رویکرد مؤمنانه به سیاست ما با ادله شرعی مواجهیم اما در ماکیاولیسم با دلیل تراشی، در آنجا ادله شرعی بر تصمیم ما تقدم دارند و در اینجا اراده سیاستمداران است که از شرع پیشی می‌گیرد. در حقیقت علت اصلی‌ای که ماکیاولیست‌ها مانند لیبرالیست‌ها به حذف دین از جامعه نمی‌اندیشند و به لحاظ نظری از سکولاریسم دفاع نمی‌کنند، همین است، زیرا آنها به تجربه دریافته‌اند که جای مبارزه علنی با دین که اقتدار آنها را به چالش خواهد کشید باید از آن به سود خود بهره برد.

ادامه در صفحه ۵

**با وجود تشدید مواضع ضد ایرانی وزیر خارجه عربستان، ادبیات محمدجواد ظریف درباره آل سعود همچنان با واقعیات جاری میان ۲ کشور در تضاد است**

# «دوست من عادل الجبیر»!



■ ما و برادران سعودی مان با تهدید و چالش‌های مشترک در منطقه مواجه هستیم

■ ۵۰۰ زائر مادر مراسم حج کشته شدند اما ما روابط خود را قطع نکردیم حتی روابط خود با عربستان را کاهش هم ندادیم

صفحه ۲

**عربی - غربی و ضربه زدن به تولیدکنندگانی چون ایران و روسیه فراهم خواهد شد.**

سه - و اما در زمینه ریشه‌یابی سیاسی این اقدام سعودی‌ها، متغیرهایی نظیر افزایش توان و قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را در برابر ضعف فزاینده سعودی‌ها به واسطه شکست‌های مکرر در عرصه‌های منطقه‌ای نظیر تحولات سوریه، یمن و عراق باید یادآور شد؛ شکست‌هایی که سعودی را مهم‌ترین رقیب نفت سنتی با چالش به صرفه نبودن و در نهایت قطع تولید روبه‌رو سازد.

این در حالی است که این سیاست افزون بر هزینه‌های بالای آن برای شرکت‌های آمریکایی به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت شیل و نیز کشورهای عربی از جمله خود عربستان، به زیان تولیدکنندگانی چون ایران و روسیه تمام شده است. از این منظر سعودی‌ها با کلید زدن یک بازی باخت - باخت به دنبال ضربه زدن به کشورهایهایی بوده‌اند که در صحنه منطقه‌ای بیشترین چالش‌ها را برای ریاض به وجود آورده‌اند.

خصوصی‌سازی آرامکو به شکل فروش سهام آن به بانک‌ها و موسسات کلان سرمایه‌دار آمریکایی و چینی، اقدامی است که بخش عمده تولید نفت اوپک را بین‌المللی می‌کند و از انحصار سازمان صادرکنندگان نفت خارج می‌سازد. به بیان دیگر، عربستان از طریق این اقدام می‌کوشد ضمن تیره خود از مسؤولیت بحران جهانی نفت و کسب منافع حداکثری از فروش نفت، نقش اوپک را در تصمیم‌گیری‌های آتی بازار جهانی انرژی به حداقل برساند و پیشاپیش مانع شکل‌گیری ائتلافی ضدسعودی به رهبری کشورهای چون ایران و ونزوئلا علیه یکه‌تازی‌های خود در اوپک شود. به این ترتیب بسترهای لازم برای ادامه فرآیند توطئه

**خودکشی عربستان از ترس مرگ! فروش آرامکو به مثابه سفارش آرامگاه برای آل سعود**

زیر ۳۰ دلار صنعت نفت شیل را زمین می‌زند. از این رو ریاض با جلوگیری از کاهش عرضه از یک سو به دنبال حفظ سهم خود در بازار جهانی انرژی بوده و از سوی دیگر کوشیده نفت شیل را به عنوان مهم‌ترین رقیب نفت سنتی با چالش به صرفه نبودن و در نهایت قطع تولید روبه‌رو سازد.

این در حالی است که این سیاست افزون بر هزینه‌های بالای آن برای شرکت‌های آمریکایی به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت شیل و نیز کشورهای عربی از جمله خود عربستان، به زیان تولیدکنندگانی چون ایران و روسیه تمام شده است. از این منظر سعودی‌ها با کلید زدن یک بازی باخت - باخت به دنبال ضربه زدن به کشورهایهایی بوده‌اند که در صحنه منطقه‌ای بیشترین چالش‌ها را برای ریاض به وجود آورده‌اند.

خصوصی‌سازی آرامکو به شکل فروش سهام آن به بانک‌ها و موسسات کلان سرمایه‌دار آمریکایی و چینی، اقدامی است که بخش عمده تولید نفت اوپک را بین‌المللی می‌کند و از انحصار سازمان صادرکنندگان نفت خارج می‌سازد. به بیان دیگر، عربستان از طریق این اقدام می‌کوشد ضمن تیره خود از مسؤولیت بحران جهانی نفت و کسب منافع حداکثری از فروش نفت، نقش اوپک را در تصمیم‌گیری‌های آتی بازار جهانی انرژی به حداقل برساند و پیشاپیش مانع شکل‌گیری ائتلافی ضدسعودی به رهبری کشورهای چون ایران و ونزوئلا علیه یکه‌تازی‌های خود در اوپک شود. به این ترتیب بسترهای لازم برای ادامه فرآیند توطئه

**نگاه سعید ملکی: در نخستین**

روزهای سال نو میلادی (اواسط دی‌ماه) اعلان خبر فروش قریبالوقوع سهام «آرامکو»<sup>۱</sup> از جانب «محمد بن سلمان» نایب ولیعهد رژیم سعودی یا به عبارتی «شاهچه در سایه عربستان» بازتاب وسیعی یافت. هرچند بن سلمان، خصوصی‌سازی آرامکو را در راستای منافع شرکت نفت عربستان، بازار سعودی و شفافیت بیشتر و مقابله با فساد عنوان کرده است اما این ادعاها با توجه به ویژگی «تملیت‌خواهی»، «پرده‌پوشی»، «فسادپروری» و «بهره‌برداری خاندانی» از منابع ملی عربستان جز گرافه به نظر نمی‌رسد. از همین رو کارشناسان و صاحب‌نظران «اقتصاد سیاسی» و «اقتصاد انرژی» تحلیل‌های گوناگونی را در این زمینه ارائه داده‌اند.

یک - نخستین تحلیل معطوف به سودجویی حداکثری خانواده سلمان پادشاه سعودی در راستای تبدیل بزرگ‌ترین شرکت انرژی جهان به اموال شخصی وی و فرزندانش از طریق زد و بند با سرمایه‌داران بزرگ جهانی است. به عبارتی برخی تحلیلگران منافع شخصی را مهم‌ترین عامل تصمیم برای خصوصی‌سازی آرامکو برمی‌شمرند.

دیدگاه دیگری در این زمینه وجود دارد که زمینه‌های فروش سهام آرامکو را ناشی از وضعیت نابسامان انرژی عربستان و هزینه‌های فزاینده ریاض می‌داند. افت شدید قیمت نفت طی ۲ سال گذشته آن هم با توطئه خود آل سعود برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران، سبب شد عربستان با کسری بودجه مواجه شود که این رقم در سال ۲۰۱۵ به ۶ درصد رسید. همراه شدن افت شدید بهای جهانی نفت با افزایش مخارج نظامی سعودی و مداخله‌گری پرهزینه عربستان در منطقه از یمن گرفته تا سوریه

**تیتیرهای امروز**

با وجود تأکید فراوان کارشناسان سلامت بر توجه ویژه به شیر مدارس انجام می‌شود

## احتمال قطع شیر مدارس!

■ از محل هدفمندی یارانه‌ها قرار بود ۴۰۰ میلیارد تومان برای بودجه شیر اختصاص یابد

وزیر خارجه ترکیه:

## شاید با عربستان به سوریه حمله کنیم

معاون محیط زیست استان تهران خبر داد

## هوای پایتخت در شرایط ناسالم

حسن روحانی:

## مقابل وزیرای معترض پایه پولی ایستادم

مهر داد بذریاش:

## برجام مجوز تقسیم رانت شده است

**آزم‌آرزوست/ ۲۱۶**

**عصیبت**

■ حجت‌الاسلام والمسلمین سید سعید لوانسانی \*



یکی از مشکلات اخلاق اجتماعی «خوی عصیبت» است. امام سجاد(ع) درباره عصیبت می‌فرمایند: «عصیبت آن است که کسی قوم خود را در انجام سستی بیاری کند». ایجاد نفوس و مسائل الشیعه: [۲۶۵] یعنی به جای طرفداری از حق، از گروه و دسته خود حمایت کند. حضرت اسام خمینی(ره) درباره عصیبت می‌فرمایند: «عصیبت یکی از اخلاق باطله نفسانیه است که آثار آن مدافعه کردن و حمایت‌نموندن از خوبین و بدین و مذهب و مسلکی باشد، با تعلق وطنی و آب و خاکی یا غیر آن، مثل تعلق شغلی و استاد و شاگردی و جز اینها و این از اخلاق فاسده و ملکات رذیله‌ای است که منشأ بسیاری از مفاسد اخلاقی و اعمالی گردد. و خود آن فی‌نفسه مذموم است اگرچه برای حق باشد، یا در امر دینی باشد و منظور اظهار حق نباشد، بلکه منظور غلبه خود یا هم‌مسلك خود یا بستگان خود باشد. اما اظهار حق و ترویج حقیقت و اثبات مطالب حقه و حمایت برای آن یا عصیبت نیست، یا عصیبت مذمومه نیست. میزان در امتیاز اغراض و مقاصد قد و نفس و شیطان و حق و رحمان است.» [شرح چهل حدیث: ۱۴۶ - ۱۴۵]

خلاصه! هرگونه هواخواهی و طرفداری که بر محور حق نباشد، عصیبت است و عصیبت خطری بزرگ برای جامعه اسلامی محسوب می‌شود. شکی نیست که انسان موجودی اجتماعی است و در اجتماع گروه‌های مختلف اجتماعی شکل می‌گیرد، خانواده، دوستان، هم‌مسلكان و هم‌کشیشان، همکاران و هم‌سنگان، هم‌گروه‌ها و هم‌حزبی‌ها و هم‌جناسی‌ها و امثال آن که افراد به تناسب در آن گروه‌ها عضو هستند. جای رشد عصیبت هم در چنین جریاناتی است که ما برای روابط درون گروهی خودمان حساب ویژه باز می‌کنیم و از آن دفاع می‌کنیم، حتی اگر حق نباشد. توضیح کوتاهی می‌دهم تا مطلب روشن شود. ایام انتخابات نزدیک است، افراد مختلفی نامزد شده‌اند و گروه‌ها و جریان‌هایی هم از آنان پشتیبانی می‌کنند، اگر تحقیق کردیم و به این نتیجه رسیدیم که فلان فرد یا جریان بهترین فرد برای مجلس است، برای حق و تثبیت نظام اسلامی به او رأی می‌دهیم و از او دفاع و برایش تبلیغ می‌کنیم.

ادامه در صفحه ۵

دریافت پیام‌های شما در شبکه‌های اجتماعی

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۳۳۱

۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰

تهدید تولید ملی

خرید کالای خارجی!

0 107354 683291

بازگشت همه به سوی اوست

جناب آقای مسلم خوش اخلاق

مصیبت وارد راه به جنابعالی تسلیت عرض نموده: برای آن مرحوم غفران و آمرزش و برای شما و خانواده محترم صبر و اجر از درگاه حضرت احدیت مسألت داریم

وطن امروز